

بررسی نقش امام اعظم ابوحنیفه در روایت حدیث
دراسة دور جهود الإمام الأعظم أبي حنيفة في رواية الحديث
The Role of Imam Azam Abu Hanifa in Hadith Narration
İmam Ebu Hanife'nin Hadis Rivayetindeki Rolünün İncelenmesi

محمد عثمان روحانی* عبدالقدوس مظہری^۲

چکیده

تحقیق حاضر با عنوان «بررسی نقش امام اعظم ابوحنیفه در روایت حدیث» به بررسی یکی از موضوعات مهم در حوزه علم حدیث پرداخته و تلاش دارد نقش و جایگاه امام ابوحنیفه رحمه الله را در نقل و روایت احادیث نبوی تبیین نماید، هدف این تحقیق شناخت نقش امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله نزد محدثین در علم درایت و روایت حدیث می باشد. این مقاله پاسخ شبهات منکرین، نقش علمی امام ابوحنیفه رحمه الله در روایت حدیث را تبیین می کند، در مورد نقش علمی، اجتهادی و آثار فقهی امام ابوحنیفه به صورت عمومی کتاب های زیادی تحریر گردیده است. یافته های این تحقیق نشان می دهد که امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله نه تنها در استنباط و استخراج مسائل فقهی درایت و مهارت کافی داشته؛ بلکه ایشان در علم روایت و درایت حدیث نیز از جایگاهی بزرگی برخوردار بوده و ضعیف دانستن امام صاحب از طرف برخی محدثین به دلیل عدم آگاهی از احوال زندگی ایشان و یا تعصب مذهبی است. در تحقیق هذا به این نتیجه می رسیم که امام ابوحنیفه رحمه الله در زمره تابعین و از جمله استادان بزرگ محدثین شمرده می شود، آثار علمی باقی مانده از ایشان مانند مسند امام ابی حنیفه، شاهد این مدعی است. این تحقیق به روش تحلیلی - توصیفی با تکیه ارزیابی کتاب های معتبر حدیثی و تاریخی انجام شده و در تحقیق فوق از آثار علمی گذشته مرتبط به موضوع تحقیق مرور شده است. در این نوشتار معیارهای علمی تحقیق رعایت گردیده است.

کلمات کلیدی: آثار علمی، استنباط، روایت حدیث، نقش، محدثین.

DOI:

<https://doi.org/10.69892/diwan.2025.119>

مقاله تحقیقی / Research Article

تاریخ دریافت / Received Date

15.01.2025

تاریخ قبول / Accepted Date

26.02.2025

تاریخ نشر / Publication Date

22.07.2025

^۱ پوهاند، دوکتور، عضودیپارتمنت تفسیر و حدیث پوهنچي علوم اسلامي پوهنتون تعلیم و تربیه کابل، افغانستان.

^۲ پوهندوی، دوکتور، عضو دیپارتمنت فقه و عقیده، پوهنچي علوم اسلامي، پوهنتون تعلیم و تربیه کابل، افغانستان.

ORCID

[0000-0002-0536-5274](https://orcid.org/0000-0002-0536-5274)

[0009-0008-0235-0510](https://orcid.org/0009-0008-0235-0510)

E-Mail

m.osman.rohany@gmail.com

ezmatwardak124@gmail.com

این مقاله توسط نرم افزار تورنتین Turnitin بررسی شده Plagiarism یا سرقت ادبی تثبیت نگردید.

This article has been scanned by Turnitin. No Plagiarism detected.

نحوه ارجاع دهی از این مقاله در پاورقی / Citation:

محمد عثمان روحانی - عبدالقدوس مظہری، "بررسی نقش امام اعظم ابوحنیفه در روایت حدیث"، مجله دیوان ۲/۶ (سپتامبر ۲۰۲۵)، ۷-۳۵.

الملخص

تم إعداد هذا البحث تحت عنوان (دراسة حول جهود الإمام الأعظم أبي حنيفة في رواية الحديث). ويهدف هذا البحث إلى التعرف على دور الإمام الأعظم أبي حنيفة رحمه الله في رواية الحديث وروايته. يوضح هذا المقال الرد على الشبهات التي يثيرها منكرو دوره العلمي في رواية الحديث. تم تأليف العديد من الكتب بشكل عام حول مكانته العلمية والاجتهادية وآثاره الفقهية. وتظهر نتائج هذا البحث أن الإمام الأعظم أبا حنيفة رحمه الله لم يكن فقط بارعاً ومتمكناً في استنباط واستخراج المسائل الفقهية فحسب، بل كان يتمتع بمكانة عظيمة في علم الرواية والدراية. وإن وصف بعض المحدثين الإمام أبي حنيفة بالضعف، يرجع إلى قلة معرفتهم بأحوال حياته العلمية أو إلى التعصب المذهبي. وقد توصل هذا البحث إلى أن الإمام الأعظم أبو حنيفة يُعد من التابعين ومن كبار أساتذة المحدثين، وتشهد على ذلك آثاره العلمية المتبقية، مثل مسند الإمام أبي حنيفة. تم إجراء هذا البحث بأسلوب وصفي تحليلي مع الاعتماد على كتب الحديث والتاريخ المعتمدة. كما تم مراجعة الأعمال العلمية السابقة المتعلقة بموضوع البحث. وقد روعيت في هذا البحث المعايير العلمية، حيث يتكون المقال من مقدمة تتبعها عرض لنتائج البحث، ثم الخاتمة وفهرس المصادر.

الكلمات المفتاحية: آثار العلمية، الاستنباط، رواية الحديث، الدور، المحدثين.

Abstract

The present study, entitled “The Role of Imam Abu Hanifa in Hadith Narration,” aims to investigate the significant contributions of Imam Abu Hanifa (may Allah have mercy on him) in both the narration and understanding of Hadith. This article addresses prevailing doubts expressed by some critics who question his scholarly role in the transmission of Hadith. While numerous scholars have explored his literary, juristic, and exegetical contributions, the findings of this research demonstrate that Imam Abu Hanifa was not only an outstanding jurist skilled in *ijtihad* (independent legal reasoning) but also held a distinguished position among Hadith scholars. The perception of his weakness in Hadith narration, held by certain Hadith experts, largely results from limited knowledge of his biography or sectarian biases. This study concludes that Imam Abu Hanifa was among the *Tabiyn* (the generation following the Companions) and a prominent teacher of Hadith. His preserved works, notably the *Musnad* of Imam Abu Hanifa, substantiate this claim. The research employs a descriptive-analytical methodology, critically examining authoritative Hadith collections and historical sources. It also reviews prior scholarly works on the subject and adheres to international research standards. The article comprises an abstract, introduction, findings, conclusion, and a comprehensive reference list.

Keywords: Inference, Scholarly Works, Hadith Narration, Role, Hadith Scholars.

Özet

Bu araştırma, "İmam Ebu Hanife'nin Hadis Rivayetindeki Rolünün İncelenmesi" başlığı altında hazırlanmıştır. Bu araştırmanın amacı, İmam-ı Azam Ebu Hanife'nin, hadis ilmî ve rivayeti konusundaki hadis alimlerinin nezdindeki rolünü tanımaktır. Bu makale, İmam-ı Azam Ebu Hanife'nin hadis rivayetindeki ilmî rolünü inkâr edenlere karşı cevaplar sunmaktadır. İmam Ebu Hanife'nin ilmî, ictihadî ve fikhî eserleri hakkında birçok kitap yazılmıştır. Bu araştırmanın bulguları, İmam Azam Ebu Hanife'nin sadece fikhî meselelerin çıkarılması ve istinbatında yeterli bilgi ve yeteneğe sahip olmadığını, aynı zamanda hadis ilmi ve rivayetinde de büyük bir konumda olduğunu göstermektedir. Bazı hadisçilerin, İmam Ebu Hanife'yi zayıf görmekteki tutumu, ya hayatı hakkında yeterli bilgiye sahip olmamaları ya da mezhebi taassup yüzündendir. Bu araştırma, İmam Ebu Hanife'nin, tabî'nin önde gelenlerinden ve büyük hadisçilerden biri olduğunu ortaya koymaktadır. Onun geriye kalan ilmî eserleri, örneğin "İmam Ebu Hanife'nin Musned'i" bu iddiayı doğrulamaktadır. Bu araştırma, analitik ve tanımlayıcı bir yöntemle, güvenilir hadis ve tarihî kitaplar değerlendirilerek yapılmıştır. Araştırma sürecinde, konuyla ilgili geçmişte yapılmış ilmî çalışmalar gözden geçirilmiştir. Bu yazıda, araştırma için uluslararası bilimsel ölçütler gözetilmiştir. Makale, özet, giriş, bulgular, sonuçlar ve kaynakça listesi içermektedir.

Anahtar Kelimeler: İlmî Eserler, İstinbat, Hadis Rivayeti, Rol, Hadis Alimleri.

مقدمه

امروزه خیلی‌ها از امام ابوحنیفه رحمه الله به عنوان فقیهی یاد می‌کنند که وی به روایت احادیث نبوی کمتر توجه داشته و بیشتر به قیاس متوسل بوده و در حالی که این گمان باطل است، ایشان نه تنها چون سایر فقهای اسلامی حدیث را به عنوان دومین مصدر استنباط پذیرفته؛ بلکه به طور وسیع به روایت حدیث نیز پرداخته و در بسیاری از کتاب‌های حدیثی روایاتی از وی نقل شده است.

یکی از حقایق روشن این است که چهار امام بزرگوار رضی الله عنهم و به ویژه امام اعظم، ابوحنیفه رحمه الله، در هدایت‌گری، علم‌ورزی، صلاح و تقوا در میان مسلمانان مورد تأیید قرار گرفته‌اند و مقام و منزلت آن‌ها در علم و عمل برای ملت‌های مسلمان ثابت و محقق است؛ اما در دوران اخیر، گروهی از جوانان حدیث آموخته و بی‌خبر از حقیقت تاریخی زندگی امامان مجتهد، شروع به اهانت به ائمه نموده و خود را بالاتر از آنان معرفی کرده‌اند. این گروه تقریباً به همه امامان مجتهد به ویژه به امام ابوحنیفه رحمه الله گاهی حمله کرده و برچسب‌هایی به او زده‌اند، در حالی که بسیاری از ائمه و علمای بزرگ پیشین و معاصر، او را ستوده و از دقت علمی و حفظ و فهم او به بزرگی یاد کرده‌اند. بنابر این، تصمیم گرفتیم که سخنان و ثنای علمای قدیم و جدید در مورد امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله، در باب نقش وی در روایت حدیث را بررسی کنیم؛ تا مقام بلند و رتبه عالی او برای این گروه روشن شود.

یکی از تهمت‌های بزرگی که بر امام ابوحنیفه رحمه الله کرده‌اند، موضوع قلت روایت حدیث از وی می‌باشد، از طرف دیگر از علمای علم رجال در مورد امام ابوحنیفه سخنان متناقضی نقل شده است که باعث غلط فهمی در مورد نقش امام اعظم ابوحنیفه در روایت حدیث می‌باشد. در کتاب‌های تاریخی روایاتی یافت می‌شود که نشانگر آن است، امام ابوحنیفه از جمله ضعفا در حدیث بوده و در حالی که امام ابوحنیفه رحمه الله یکی از بزرگترین علماء و مجتهدین شمرده می‌شود، روایات زیادی را از تابعین و تبع تابعین روایت کرده‌اند.

هدف کلی این تحقیق، شناسایی نقش امام ابوحنیفه رحمه الله در روایت حدیث، شناخت دیدگاه‌های علمای حدیث در مورد امام ابوحنیفه و شناخت نظریات نقدی امام ابوحنیفه در مورد برخی راویان حدیث، می‌باشد.

تحقیق حاضر در صدد دریافت جواب به سؤالات همچون؛ امام ابوحنیفه رحمه الله چه نقشی در روایت حدیث داشته است؟ علمای حدیث در مورد امام ابوحنیفه چه نظریاتی مطرح کردند؟ و نقش امام ابوحنیفه رحمه الله در استنباط مسائل فقهی از احادیث چگونه بوده است؟ می‌باشد. در این تحقیق از روش تحلیلی-توصیفی استفاده شده است، برای جمع‌آوری و تحریر مطالب این تحقیق بیشتر بر منابع کتابخانه‌ای و اسنادی تکیه نموده، نقل قول‌ها در این تحقیق به منابع اصلی آن ارجاع داده شده و مورد تحلیل علمی دقیق قرار گرفته است.

امام ابوحنیفه رحمه الله به عنوان یکی از برجسته ترین فقهای اسلامی، نقش مهمی در توسعه فقه اسلامی ایفا کرده؛ اما نقش وی در روایت حدیث کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این مقاله به بررسی اهمیت و ضرورت شناسایی نقش او در این حوزه پرداخته و نشان می‌دهد که امام ابوحنیفه به حدیث توجه ویژه‌ای داشته و اصول خاصی در روایت و نقد حدیث اتخاذ کرده است. وی بر اصولی مانند عدالت و وثاقت راویان، توافق حدیث با اصول شریعت و عدم مخالفت با قرآن کریم تأکید داشت و از احادیث ضعیف با احتیاط استفاده می‌کرد. شاگردان او مانند امام ابو یوسف و امام محمد بن حسن شیبانی رحمهما الله نقش بسزایی در حفظ و تدوین احادیث او داشتند. لازم است که دیدگاه‌های رایج درباره نقش امام ابوحنیفه در روایت حدیث بازنگری و پژوهش‌های بیشتری در این زمینه انجام شود تا تصورات نادرست درباره دیدگاه او نسبت به حدیث اصلاح گردد. نقش امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله در روایت حدیث بسیار حایز اهمیت است و بررسی آن می‌تواند به درک صحیح‌تر از مکتب فقهی او و جایگاه او در روایت حدیث کمک کند.

در مورد معرفی جایگاه علمی، زندگی‌نامه، جایگاه فقهی، معرفی مذهب، اصول و روش اجتهادی امام ابوحنیفه رحمه الله به زبان‌های مختلف جهان کتاب‌های زیادی تحریر و تحقیق شده است که برخی از این منابع به‌طور فشرده تذکر داده می‌شود:

۱. کتاب تألیفی تحت عنوان «تبیض الصحیفه بمناقب الامام أبي حنیفة» تألیف جلال الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر سیوطی است که توسط محمود الحسن نصار، فارغ‌التحصیل جامعه دارالعلوم کراچی کشور پاکستان، مرور شده است، امام سیوطی در این کتاب به شکل خیلی مستند از استادان، شاگردان، شخصیت علمی و جایگاه فقهی امام ابوحنیفه رحمه الله به تفصیل بحث نموده و این کتاب به زبان عربی تحریر گردیده و در سال ۱۴۳۱ هـ.ق در مطبعه دارالوحي حلب سوریه طبع شده است.

۲. کتاب تحت عنوان «ابوحنیفه، حیات و عصره - آراء و فقهه» توسط محمد أبوزهره مصری حنفی تألیف گردیده است، محور بحث این کتاب چنان‌که از نامش پیدا است زندگی، معاصرین، دیدگاه‌های فقهی و اجتهادی امام صاحب می‌باشد. این اثر علمی نیز به صورت عمومی در مورد معرفی شخصیت علمی، فقهی و دیدگاه‌های اجتهادی امام ابوحنیفه رحمه الله پرداخته است.

۳. اثر علمی تحقیقی تحت عنوان «الإمام الاعظم أبوحنیفه وافکاره» توسط عنایت الله «ابلاغ» به زبان عربی تحریر و به وسیله‌ای مولوی فضل من الله «فضلی» به زبان دری ترجمه شده است، این کتاب در چهار فصل بیشتر به معرفی افکار کلامی آثار علمی امام ابوحنیفه رحمه الله پرداخته و ترجمه این کتاب در سال ۱۳۹۸ هـ.ش توسط وزارت ارشاد، حج و اوقاف افغانستان مجدداً چاپ شده است.

۴. اثر علمی تحت عنوان «امام ابوحنیفه رحمه الله و جایگاه علمی ایشان نزد علماء و محدثین» توسط عبدالحمید نوروزی تهیه و تحریر گردیده است، این کتاب به شکل سافت در ویب سایت «کلمات» در چند بخش به نشر رسیده است، نویسنده به صورت پراکنده به معرفی زندگی امام ابوحنیفه رحمه الله پرداخته است.

۵. مقاله علمی تحقیقی تحت عنوان «بازخوانی دیدگاه ابوحنیفه درباره حدیث» توسط دو تن از نویسندگان محترم هریک: سید عدنان فلاحی و حمید مسجدسرائی، تحقیق و تحریر شده است، این مقاله در شماره بیست سوم زمستان سال ۱۳۹۹ ه.ش در مجله علمی و تحقیقی (مطالعات فقه و حقوق اسلامی) کشور ایران به نشر رسیده است.

یافته‌های نویسندگان مقاله نشان می‌دهد که مذاهب فقهی به خصوص مذاهب فقهی اربعه، به رغم اختلافاتی که در فروع دارند، نهایتاً اصول اجتهادی شان تقریباً یکسان اند. در واقع، با هر چه دور شدن از سه قرن نخست تاریخ مسلمین، از سیالیت اندیشه‌ها و تکرر آراء کاسته می‌شود و تدریجاً با رنگ‌باختن برخی تمایزات، اساس مذاهب فقهی در یک بسته واحد و هسته مشترک گرد هم می‌آیند. مثلاً: بنیان استنباطی آن‌چه که ما امروزه به نام مذهب حنفی می‌شناسیم و نگرش این مذهب به کتب اصلی احادیث اهل سنت و نیز نوع تعامل این مذهب با احادیث و به خصوص اخبار آحاد، هیچ تفاوت ماهیتی با سایر مذاهب اهل سنت ندارد.^۱

۶. مقاله علمی تحت عنوان «نگاهی به دیدگاه امام ابوحنیفه پیرامون روایت و رأی» توسط محترم مولوی کمال الدین حامد به رشته تحریر در آمده است، این مقاله که در سال ۱۳۹۴ ه.ش در سایت نویسنده نشر شده است، بیشتر در محور معرفی اهل رأی و اهل حدیث می‌چرخد و نویسنده به شبهات اهل حدیث در مورد امام ابوحنیفه رحمه الله به‌طور مستند پاسخ ارائه نموده است.

۷. اثر علمی تحت عنوان: «مکاتة الامام ابی حنیفه فی الحدیث» توسط علامه عبدالرشید نعمانی تحریر و به وسیله‌ای علی بیجار زهی در سال ۱۳۹۰ ه.ش، تحت عنوان «مقام والای امام ابوحنیفه در علم حدیث» به زبان فارسی ترجمه شده است، این اثر علمی از بهترین آثار تحقیقی بوده که تا هنوز در معرفی جایگاه امام ابوحنیفه رحمه الله در علم روایت حدیث به رشته تحریر در آمده و ترجمه این کتاب در انتشارات خواجه عبدالله انصاری چاپ شده است.

البته ده‌ها اثر علمی و تحقیقی در مورد معرفی زندگی علمی، اجتهادی، فکری و کلامی امام ابوحنیفه رحمه الله به زبان‌های مختلف جهان تحریر و نوشته شده؛ اما تفاوت این تحقیق با دیگر تحقیقات این است که مقاله حاضر پیرامون نقش امام ابوحنیفه رحمه الله در روایت حدیث به شکل

^۱ سید عدنان فلاحی و حمید مسجدسرائی، بازخوانی دیدگاه ابوحنیفه درباره حدیث (ایران: مجله علمی و تحقیقی مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۲۰/۲۱/۱۳۹۹ ه.ش)، ۱۸.

مستقل تهیه و تحقیق شده که به صورت مستند به شبهات اهل حدیث در مورد تهمت عدم درایت امام صاحب در حدیث که بر ایشان وارد می‌کنند، پاسخ داده شده است.

این تحقیق بر موضوعات خاصی مانند شناسایی شخصیت امام ابوحنیفه رحمه الله در علم حدیث متمرکز شده که قبلاً به طور کامل بررسی نشده است، در حالی که تحقیقات قبلی معمولاً بر مفاهیم کلی درباره شناخت امام صاحب تمرکز داشته است. در این تحقیق از روش‌های نوین استفاده شده که از روش‌های تحلیلی دقیق‌تری بهره برده است. در مقایسه با تحقیقات گذشته که ممکن است روش‌های سنتی‌تر یا محدودتری داشته‌اند.

در تحقیق ما ممکن است رویکردهای جدیدتری از نظر تحلیل داده‌ها و ارزیابی نتایج وجود داشته باشد، که با توجه به دیدگاه‌های نوین علمی و تحقیقاتی از نتایج گذشته فاصله بیشتری داشته باشد. به طور کلی، تحقیق ما ممکن است به طور عمیق‌تر و جامع‌تری به موضوع پرداخته و به واسطه استفاده از منابع جدید و تکنیک‌های پیشرفته، نتایج تازه‌تری ارائه دهد.

۱. زندگی امام ابوحنیفه رحمه الله

علامه جلال الدین سیوطی نوشته است: «امام ابوحنیفه رحمه الله فقیه اصلاحگر، معلم تربیتگر، مجتهد اعتدال پسند، دعوتگر روشن ضمیر، مبارز عدالت خواه، قضاوتگر صریح، یکی از نخستین مذاهب فقهی اهل سنت را پی‌ریزی کرد که جایگاه مهمی در تاریخ مذاهب فقهی دارد. شناخت نسب، جایگاه اجتماعی، رشد و پرورش او در مکتب صحابه کرام، آشنایی با اساتید، روش اجتهاد، روش تدریس فقه و تربیت شاگردان مجتهد، ما را به فهم مذهب حنفی و ویژگی‌های آن نزدیکتر می‌سازد».^۲

امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله پیشوای علمای متقدم و شخصیت علمی و فقهی است که همه دانشمندان معتدل اسلامی و مجتهدین، به فضل، علم و تقوای او باور دارند. امام ابوحنیفه رحمه الله، فقیه بزرگ عراق و از تابعین است که در سال ۸۰ هجری متولد شد و در سال ۱۵۰ هجری در بغداد درگذشت. او یکی از بزرگترین پیشوایان علمی و فقهی تاریخ اسلام است و پیروانش در سراسر دنیای اسلام از جمله جزیره العرب، ماورالنهر، دیار روم، نیم کره هند و شمال آفریقا می‌باشد. او امام اعظم، فقیه امت، محدث بزرگ، نعمان بن ثابت بن زوطی کوفی است. او از فرزندان آزادگان فارس بود. او به خاطر کثرت پیروان و مقلدانش در سراسر جهان، لقب «امام اعظم» را کسب نموده است. او نخستین کسی بود که فقه را تدوین و منظم کرد.

^۲ جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، تبیض الصحیفة فی مناقب الإمام أبي حنیفة (حلب: دارالوعی، مکتبه ابن عبدالبر، ۱۴۳۱ هـ.ق)، ۲۷.

ابوزهره در مورد امام اعظم رحمه الله نوشته است: «امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله در آغاز زندگی بزاز (پارچه فروش) بود و از دسترنج خود خرج می کرد و برای پرهیزگاری هدایا و جوایز سلاطین زمان خود را نمی پذیرفت. خانه، کارگاه و درآمد مناسبی از تجارت خود داشت و از سخاوتمندان و نیکان هوشمند به شمار می رفت. دین دار، عابد، اهل شب زنده داری و تلاوت کننده فراوان قرآن بود. به شدت از محرمات دوری می کرد، از همه ثروت مندانی بی نیاز بود، بسیار ساکت و اهل تفکر و جز در پاسخ سوالات دینی سخن نمی گفت. از غیبت دوری می کرد و جز به نیکی از کسی یاد نمی کرد. او امانت دارترین و خوش اخلاق ترین مرد بود. شب ها را در نماز، دعا، تضرع و گریه زنده نگه می داشت و آثار گریه بر چهره اش نمایان بود».^۳

علامه جلال الدین سیوطی رحمه الله در مورد چهره ظاهری امام صاحب نوشته است: «امام ابوحنیفه رحمه الله چهره ای زیبا و ظاهر خوش داشت. معطر بود، لباس و کفش های خوبی می پوشید و از بوی خوشش شناخته می شد. قد میانه داشت، با گفتاری شیوا و صدایی دلنشین خود شناخته می شد. او در تمامی علوم دینی تسلط کامل داشت؛ ولی از میان همه علوم و فنون شرعی، فقه را برگزید و به طور کامل به آن پرداخت و به شاگردی استادش حماد بن ابی سلیمان مشغول شد تا زمانی که استادش درگذشت، ملازم وی بود».^۴

۲. مقام علمی امام ابوحنیفه رحمه الله

الملک المعظم الأیوبی در کتاب «السهم المصیب فی الرد علی الخطیب» نوشته است: «امام ابوحنیفه رحمه الله، تأثیر گسترده ای در علوم اسلامی، به ویژه در فقه، برجای گذاشته است. او در خواب در کعبه صدایی شنید که می گفت: "ای ابوحنیفه! چون در خدمت من خالصانه و در شناخت من دقت به خرج داده ای، من تو را بخشیدم».^۵

الأیوبی در ادامه نوشته است: «بسیاری از علمای بزرگ مانند عبدالله بن مبارک و امام شافعی رحمه الله به فقه و دانش امام ابوحنیفه اعتراف کرده اند و گفته اند که اگر ابوحنیفه و سفیان ثوری رحمهم الله نبودند، علمای زیادی مانند من در جهل باقی می ماندند».^۶

وی در ادامه سخنان خود افزوده است: «هیچ شکی نیست که امام ابوحنیفه رحمه الله از جمله تابعین است و برخی از صحابه کرام رضی الله عنهم را ملاقات کرده است، او از بهترین حافظان حدیث و علمای

^۳ محمد ابوزهره، *أبوحنیفه، حیاته وعصره - آراؤه وفقهه* (قاهره: دارالفکر العربی، ۱۹۹۱ م). ۱۴.

^۴ سیوطی، *تبیض الصحیفه فی مناقب الإمام أبی حنیفة*، ۳۲.

^۵ الملک المعظم أبو مظفر عیسی بن سیف الدین الأیوبی، *السهم المصیب فی الرد علی الخطیب* (بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ هـ.ق)، ۳۲.

^۶ ایوبی، *السهم المصیب فی الرد علی الخطیب*، ۳۲.

مجتهد بوده است. امام ابوحنیفه رحمه الله در روایت حدیث نیز مهارت زیادی داشت و از چهار هزار شیوخ، حدیث شنیده است. برخی از دشمنان ممکن به اشتباه بگویند که او به حدیث توجهی نداشته؛ اما این اتهام نادرست است. امام ابوحنیفه رحمه الله در علم حدیث و فقهت در سطحی بی نظیر قرار داشت و بسیاری از علمای بزرگ حدیث مهارت و تسلط وی را در روایت حدیث، تصدیق کرده‌اند.^۷

علامه جلال الدین سیوطی گفته است که پیامبر صلی الله علیه و سلم با این حدیث امام ابوحنیفه رحمه الله را بشارت داده است: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ كَانَ الدِّينُ عِنْدَ الثُّرَيَّا لَدَهَبَ بِهِ رَجُلٌ مِنْ فَارِسٍ أَوْ قَالَ مِنْ أَبْنَاءِ فَارِسٍ حَتَّى يَتَنَاوَلَهُ».^۸ «اگر علم در (سیاره) ثریا باشد، مردی از فرزندان فارس (فارسی زبان) به آن دست خواهند یافت».

اگرچه از مردم فارسی زبان تعدادی زیادی در علم و دانش حدیث و فقه تبحر حاصل کرده‌اند که بیشترین محدثین و فقهای اسلامی را افرادی تشکیل می‌دهند که به زبان فارسی صحبت می‌کردند و بر آن تسلط داشتند؛ اما بسیاری از شارحان حدیث، مصداق بارز این مژده و بشارت پیامبر بزرگ اسلام، امام ابوحنیفه رحمه الله را دانسته‌اند.^۹

علامه شمس الدین ذهبی در کتاب «مناقب امام ابوحنیفه» رحمه الله نوشته است: «امام ابوحنیفه رحمه الله تابعی بود؛ زیرا هفت نفر از صحابه بزرگوار را دیده و از آنان روایت کرده است. این صحابه کرام عبارتند از: انس بن مالک، عبدالله بن جزء زبیدی، معقل بن یسار، واثله بن أسقع، عائشه دختر عجرد، عبدالله بن ابی اوفی و أبوظفیل عامر بن واثله رضی الله عنهم».^{۱۰}

این سخنان علامه ذهبی به وضوح نشان می‌دهد که امام ابوحنیفه رحمه الله از جمله تابعین بوده است.

محمد قاسم عبده الحارثی نوشته است: «امام ابوحنیفه رحمه الله بیش از چهار هزار استاد داشت که برجسته‌ترین آن‌ها عبارت از: حماد بن ابی سلیمان، عطاء بن ابی رباح، عامر شعبی، عکرمه

^۷ أبوی، السهم المصیب فی الرد علی الخطیب، ۳۳.

^۸ أبوالحسین مسلم بن الحجاج النیسابوری، صحیح مسلم، ناشر. عیسی الحلبي (بیروت: داراحیاء التراث، ۱۴۳۱ هـ.ق)، "فضائل الصحابة"، ۵۹ (۲۵۴۶).

^۹ عبدالعزیز بن سعود العوید، علماء الحدیث، مترجم: ولی محمد شجاعی (ایران: انتشارات احسان، ۱۴۰۲ هـ.ش)، ۵۶.

^{۱۰} أبو نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی، حلیة الاولیاء وطبقات الاصفیاء (قاهره: مطبعة السعادة، ۱۳۹۴ هـ.ق)، ۲/۲۳۴.

(غلام آزاد شده ابن عباس)، عمرو بن دینار، نافع (غلام آزاد شده ابن عمر)، قتاده، علقمه بن مرثد، محمد بن مسلم معروف به ابن شهاب زهری و افراد بسیاری غیر از آنان.^{۱۱}

علامه شمس الدین ذهبی در ادامه نوشته است: «شاگردان امام ابوحنیفه رحمه الله در سرزمین های اسلامی گسترش یافتند و علوم حدیث و فقه را منتقل کردند. بسیاری از مسلمانان از دانش آنان بهره مند شدند و شمار دقیق تعداد شان امری دشوار است. به گفته علامه ذهبی: «روایت کنندگان از امام ابوحنیفه رحمه الله از میان محدثین و فقهاء چنان زیادند که به شمار نمی آیند».^{۱۲}

ابن بزاز کردری رحمه الله، فهرستی طولانی از شاگردان امام صاحب را ارائه کرده که تعدادشان بیش از هشتصد و پنجاه (۸۵۰) نفر بوده و آنان را بر حسب کشورها دسته بندی کرده است که در مجموع به ۴۳ کشور می رسد و اکثریت آنان محدثین بودند.^{۱۳}

از جمله این شاگردان که ابن بزاز فهرست نموده به صورت غیر مستقیم می توان به شعبه بن حجاج محدث مشهور، سفیان ثوری، لیث بن سعد، مسعر بن کدام، عبدالله بن مبارک، وکیع بن جراح استاد امام شافعی و بخاری، یحیی بن معین و مکی بن ابراهیم استاد امام بخاری که از جمله بزرگترین محدثین اند، اشاره کرد. این محدثین فوق الذکر از علمای مشهور علم جرح و تعدیل حدیث به شمار می آیند که قول شان در توثیق و تضعیف راویان حدیث حجت پنداشته می شود، وقتی که شاگردان امام ابوحنیفه رحمه الله در چنین جایگاهی علمی در علم روایت حدیث قرار داشته باشند، پس امام ابوحنیفه رحمه الله بدون شک، استاد محدثین می باشد.^{۱۴}

۳. ستایش محدثین درباره دانش حدیثی امام ابوحنیفه رحمه الله

ستایش برخی از علمای حدیث را درباره امام ابوحنیفه رحمه الله که گفته اند، متذکر می شویم: مسعر بن کدام رحمه الله گفته است: «من به دنبال حدیث با ابوحنیفه رحمه الله بودم و نتوانستم بر او غلبه کنم».^{۱۵}

^{۱۱} محمد قاسم عبده الحارثی، مکانة الامام أبي حنيفة بين المحدثين (پاکستان، کراچی: ادارة القرآن، ۱۴۲۹ هـ.ق)، ۴۳.

^{۱۲} شمس الدین أبو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان بن قایماز الذهبی، مناقب الامام ابي حنيفة وصاحبه، تحقیق. محمد زاهد کوثری (هندوستان، حیدرآباد دکن: لجنة احياء المعارف النعمانية، ۱۴۰۸ هـ.ق)، ۱۹.

^{۱۳} محمد بن محمد بن شهاب معروف به ابن بزاز کردی، مناقب الامام الاعظم رضى الله عنه (هندوستان-حیدرآباد - دکن: لجنة احياء المعارف النعمانية، ۱۳۲۱ هـ.ق)، ۱۲۰/۱.

^{۱۴} شمس الدین أبو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان الذهبی، تذكرة الحفاظ وطبقات الحفاظ (بیروت: دارالکتب العلمية، ۱۴۱۹ هـ.ق-۱۹۹۸ م)، ۳۹۵/۷-۳۹۳.

^{۱۵} احمد السعيد الحوی، المدخل الى مذهب الامام ابي حنيفة (جدة: دارالاندلس الخضراء، ۱۴۲۳ هـ.ق/۲۰۰۲ م)، ۱۲۰.

یحیی بن آدم رحمه الله، که از اساتید بخاری رحمه الله است، گفته است: «ابوحنیفه رحمه الله تمام احادیث اهل کشور خود را جمع کرده و از آخرین آن که پیامبر صلی الله علیه و سلم گفته بود، استفاده کرد».^{۱۶} این قول یحیی بن آدم بر تبحر کامل امام ابوحنیفه رحمه الله در شناخت ناسخ و منسوخ حدیث دلالت دارد.

ابن حجر عسقلانی رحمه الله در مورد امام ابوحنیفه رحمه الله گفته است: «ابوحنیفه رحمه الله در تمام علوم اسلامی، از جمله تفسیر و حدیث، آگاهی کامل داشت و هیچ گونه کمبودی علمی در این زمینه نداشت».^{۱۷}

این نوع نقل قول‌ها از محدثین بزرگ اسلام، نشان‌دهنده‌ای مقام علمی و شخصیت بی‌نظیر امام ابوحنیفه رحمه الله در بخش حدیث‌شناسی است. او شخصیتی است که باید مورد احترام قرار گیرد و به‌ویژه در میان علمای اسلامی و دانش‌آموختگان علوم دینی معاصر نه این‌که نسبت‌ها و تهمت‌های بی‌اساس به آدرس این شخصیت بزرگ اسلام حواله شود.

حافظ یوسف بن عبد البر اندلسی مالکی رحمه الله در کتاب «الانتقاء» اسامی هشتاد و هفت امام را ذکر کرده که همه شان ستایش امام ابوحنیفه رحمه الله را کرده و ایشان را توثیق نموده‌اند.^{۱۸} شیخ عبدالفتاح أبوغده نیز در حاشیه کتاب «الانتقاء»، سه نفر دیگر را به آن اضافه کرده نوشته است: «شمار ستایش‌کنندگان امام ابوحنیفه رحمه الله به هفتاد عالم بزرگوار می‌رسد. همه شان و یا اکثرشان از امامان مشهور و بزرگ حدیث هستند که اگر در موردی شهادت دهند، شهادت‌شان پذیرفته می‌شود و به شهادت مخالفان شان تردیدی وارد نمی‌شود و ستایش نیز نوعی شهادت است».^{۱۹}

تمجید این علمای بزرگ و هدایتگر، اگر به نفع فرد ضعیفی بیان شود، او را به حجت تبدیل می‌کند، چه رسد به این‌که بر شخصی همچون امام ابوحنیفه رحمه الله هفتاد نفر از علمای بزرگ امت اسلام از جمله محدثان، فقهاء، قراء، مجاهدان، عبادت‌کنندگان، قاضیان، زاهدان، صالحان، اهل ادب و زبان عرب متفقاً شهادت دهند. بیشتر دانشمندان، عدد هفتاد را برای تواتر در نظر گرفته‌اند و از این رو، ستایش بر امام ابوحنیفه رحمه الله به حد تواتر رسیده است.

^{۱۶} الحوی، المدخل الی مذهب الامام ابي حنیفة، ۱۲۲.

^{۱۷} أبو الفضل شهاب الدین احمد بن علی بن محمد ابن حجر العسقلانی، تهذیب التهذیب (بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۵ هـ.ق / ۲۰۰۴ م)، ۱۳۰/۳.

^{۱۸} حافظ أبو عمر یوسف بن عبد الله ابن عبد البر اندلسی، الإنتقاء فی فضائل الأئمة الثلاثة الفقهاء، تحقیق. عبدالفتاح أبوغده (حلب: مکتب المطبوعات الاسلامیة بحلب، ۱۴۱۷ هـ.ق / ۱۹۹۷ م)، ۷۰.

^{۱۹} ابن عبد البر اندلسی، الإنتقاء فی فضائل الأئمة الثلاثة الفقهاء، ۱۹۳-۲۳۰.

دکتور عنایت الله ابلاغ نوشته است: «در میان این هفتاد نفر، محدثان، حفاظ بزرگ حدیث، استادان و امامان بزرگ حدیث نیز حضور دارند؛ از جمله: وکیع بن جراح استاد امام بخاری، سفیان ثوری، سفیان بن عیینه، شعبه بن حجاج، یحیی بن سعید قطان و یحیی بن معین که همگی از اهل تقوا و ماهران علم جرح و تعدیل بودند. در بین آن‌ها فقیهان بصیر، صالحان و عابدان بزرگ و متفکران و امانت‌داران دیندار، حضور دارند. همه این بزرگان به دینداری، صلاح، عبادت، ورع، دانش، فقه، وثاقت، اعتماد، امامت، عقل، هوشمندی، امام ابوحنیفه رحمه الله گواهی داده‌اند. اجتناب امام ابوحنیفه رحمه الله از پذیرش قضاوت دلالت بر ورع، تقوی و دینداری وی دارد. او زندان و عذاب را بر قبول قضاوت ترجیح داد. این سخنان فوق‌الذکر، شهادت‌های اندک که درباره او حکایت شده است، این دانشمندان اسلامی ان شاء الله از هرگونه تعصب مبرا هستند».^{۲۰}

۴. جایگاه امام ابوحنیفه رحمه الله در علم حدیث

علامه شمس الدین ذهبی^{۲۱} نوشته است: «امام ابوحنیفه رحمه الله فردی مورد اعتماد، ثقه، حافظ حدیث و امام برجسته‌ای بود. او از فهم عمیق و حافظه‌ای قوی برخوردار بود و در شناخت احادیث ناسخ و منسوخ مهارت بسیار داشت و در میان امامان چهارگانه پیروی شده اهل سنت، تنها امام ابوحنیفه رحمه الله دارای روایت احادیث و حدیثیات است».

عجلی^{۲۲} و ابن شاهین^{۲۳} امام ابوحنیفه را از جمله محدثین ثقات (مورد اعتماد) برشمرده‌اند، ذهبی^{۲۴} و سیوطی ایشان را از حفاظ حدیث دانسته‌اند.^{۲۵}

امام ابو داود نویسنده یکی از سنن صحاح سته درباره او گفته است: «امام ابوحنیفه رحمه الله امام در فقه و حدیث بود. یحیی بن معین نیز درباره اش چنین اظهار داشته است: «امام ابوحنیفه رحمه الله، ثقه است (تکرار الفاظ تعدیل دلالت بر اعتماد بزرگی نزد محدثین دارد). و نیز گفته است: «هرگز

^{۲۰} عنایت الله ابلاغ، امام اعظم ابوحنیفه و افکار او، مترجم. فضل من الله فضلی (کابل: وزارت ارشاد، حج و اوقاف، ۱۳۹۸ هـ.ش)، ۱۵۰.

^{۲۱} ذهبی، تذکرة الحفاظ فی طبقات الحفاظ، ۱/۱۲۶؛ الوحدانیات ما دار فیہ بین الراوی و بین رسول الله صلی الله علیه وسلم رجل واحد فقط، وهو صحابي.

^{۲۲} ابی الحسن أحمد بن عبد الله بن صالح العجلی، معرفة الثقات للعجلی، باب النضر والنعمان، رقم الترجمة: ۱۸۵۳ (مدینه منوره: مکتبة الدار، ۱۴۲۲ هـ.ق)، ۳۱۴/۲.

^{۲۳} أبو حفص عمر بن احمد بن عثمان معروف به ابن شاهین، تاریخ أسماء الثقات، تحقیق. صبحی السامرائی (کویت: دارالکتاب العربی ۱۴۰۴ هـ.ق / ۱۹۸۴ م)، ۲۴۱.

^{۲۴} ذهبی، تذکرة الحفاظ، ۱/۱۶۴.

^{۲۵} جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، طبقات الحفاظ، الطبقة الخامسة، رقم الترجمة: ۱۵۶ (بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۳ هـ.ق)، ۸۰.

کسی را ندیدم که او را تضعیف کند. شعبه بن الحجاج عالم معتبر جرح و تعدیل است که به او نامه‌ای می‌نویسد تا از او حدیث بشنود، و شعبه ابن حجاج امام در حدیث و عالم ناقد جرح و تعدیل است که چنین درخواست‌هایی کمتری دارد.^{۲۶}

ابن تیمیه حرانی از علمای حنبلی و از رهبران اهل حدیث معاصر نیز گفته است: «هر کس گمان کند که امام ابوحنیفه رحمه الله یا دیگر امامان مجتهد عمداً با حدیث صحیح به خاطر ترجیح قیاس یا موارد دیگر مخالفت می‌کنند، اشتباه کرده است. این تصور او یا از روی ظن است یا از روی هوای نفس. امام ابوحنیفه رحمه الله به طور مثال، در مسأله وضوء با نبیذ در سفر، با وجود مخالفت با قیاس، به حدیث عمل کرده است. همچنین در موضوع قهقهه در نماز، قیاس را ترک نموده به حدیث عمل نموده است؛ زیرا او به صحت این احادیث اعتقاد داشت. ما نیز روشن کردیم که هیچ‌یک از امامان مجتهدین، بدون دلیل معقولی، حدیثی صحیح را رد نمی‌کردند».^{۲۷}

أبو زید عبدالرحمن بن محمد بن خلدون حَضْرَمِي از فیلسوف‌های تاریخ‌نگاری و از پیروان مذهب مالکی در تاریخ خود نوشته است: «این‌که مذهب امام ابوحنیفه رحمه الله در میان مسلمانان به‌عنوان عالی‌ترین مرجع مسائل اجتهادی مورد توجه و قبول قرار گرفته است، نشان از آن دارد که او از مجتهدان بزرگ در علم حدیث و فقه است».^{۲۸}

محمد الیاس یمنی نوشته است: «امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله را علمای جرح و تعدیل مانند: شمس الدین ذهبی در «تذکره الحفاظ»، ابن عبدالهادی مقدسی در «طبقات علماء الحدیث»، ابن ناصر دمشقی در کتاب «التبیین لبدیعة البیان»، ابن المبرّد یوسف بن حسن در «تذکره الحفاظ و تبصرة الإیقاظ»، علامه جلال الدین سیوطی در طبقات الحفاظ، از جمله روایان معتبر و ثقه ذکر نموده‌اند».^{۲۹}

۵. روش امام ابوحنیفه رحمه الله در اخذ و انتقال حدیث

علامه یوسف ابن عبدالبر مالکی نوشته است: «امام ابوحنیفه رحمه الله روایت حدیث را تنها از افراد مورد اعتماد و ثقه قبول می‌کرد و تنها احادیثی را که از زمان شنیدن به خوبی حفظ کرده بود و راوی

^{۲۶} سیوطی، طبقات الحفاظ، ۸۱.

^{۲۷} ذهبی، تذکره الحفاظ، الطبقة الخامسة، الرقم الترجمة: ۱۶۳، ۱۲۷/۱.

^{۲۸} أبوزید عبدالرحمن بن محمد ابن خلدون الْحَضْرَمِي (العبر و دیوان المبتدا و الخیر فی ایام العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر) معروف به تاریخ ابن خلدون، مترجم. عبدالمحمد آیتی (ایران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳ هـ. ش)، ۵۶۲/۱.

^{۲۹} محمد الیاس یمنی، مکانة الإمام الأعظم فی الحدیث (جده: مکتبة دارالخضراء، ۲۰۰۱ م)، ۲۲.

آن‌ها از لحاظ ضبط و عدالت معتبر می‌بود، روایت می‌کرد و آنچه را که در خاطر نداشت، بازگو نمی‌کرد. چنان‌که سفیان ثوری درباره او گفته است: «او تنها آن دسته از احادیثی را که نزدش صحیح و از راویان مورد اعتماد نقل شده بود، می‌پذیرفت و همچنین بر آنچه از سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم به او از طرق موثق رسیده است عمل می‌کرد».^{۳۰}

علامه جمال الدین یوسف المزی نوشته است: «یحیی بن معین رحمه الله گفته است: «امام ابوحنیفه رحمه الله فرد مورد اعتماد و ثقه در حدیث بود و تنها احادیثی را روایت می‌کرد که آن‌ها را به خوبی حفظ داشت و از نقل آنچه که به خوبی حفظ نمی‌کرد، خودداری می‌کرد».^{۳۱}

علامه ابن حجر هیتمی از امام ابویوسف درباره امام ابوحنیفه رحمه الله نقل نموده است: «امام ابوحنیفه رحمه الله تنها به روایاتی عمل می‌کرد که از پیامبر صلی الله علیه و سلم به وسیله‌ای افراد ثقه و طرق صحیح روایت شده بود، امام ابوحنیفه رحمه الله آگاهی عمیقی نسبت به احادیث ناسخ و منسوخ داشت و به دنبال احادیث راویان مورد اعتماد و ثقه بود».^{۳۲}

از کلام علمای جرح و تعدیل و حافظان حدیث دانسته می‌شود که امام ابوحنیفه رحمه الله در اخذ و انتقال حدیث محتاط بوده، عدالت و ضبط نزد او معیار قبول حدیث شناخته می‌شد.

۶. اهتمام فراوان امام ابوحنیفه رحمه الله در حدیث

علامه بزاز مکی نوشته است: «امام ابوحنیفه رحمه الله توجه و عنایت بسیاری به حدیث نبوی داشت، ایشان در اجتهاد فقهی به بیان و توضیح هشتاد و سه هزار مسأله دینی پرداخته است که استنباط و اجتهاد اینقدر مسائل شرعی بود که بدون حفظ احادیث ممکن نیست».^{۳۳}

در حقیقت، بیان این تعداد مسائل فقهی توسط امام ابوحنیفه رحمه الله در علم فقه، نشانگر مهارت و تسلط او در علم حدیث است. چنان‌که علامه ظفر احمد عثمانی تهانوی رحمه الله گفته است: «بدیهی است که تبصر و تسلط بر علم فقه بدون حفظ احادیث، آثار، اقوال صحابه، تابعین و آگاهی از ناسخ و منسوخ در احادیث ممکن نیست. وقتی اجماع بر این است که امام ابوحنیفه رحمه الله

^{۳۰} ابن عبدالبر، الانتقاء، باب ذکر ما انتهى إلینا من ثناء العلماء علی أبي حنيفة و تفضيلهم له، ۲۶۲.

^{۳۱} جمال الدین ابوالحجاج یوسف المزی، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، تحقیق. بشارعواد معروف، باب النون، من إسمه نعمان، الرقم: ۶۴۳۹ (بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۰ هـ.ق)، ۴۲۴/۲۹.

^{۳۲} شهاب الدین احمد بن محمد بن علی بن حجر الهیتمی، الخیرات الحسان فی مناقب ابی حنيفة النعمان، الفصل الثالث عشر فی ثناء الأئمة علیه (دمشق: دارالهجرة الرشاد، ۱۴۲۷ هـ.ق/۲۰۰۷ م)، ۳۳.

^{۳۳} أبوالمؤید موفق بن احمد بن محمد المکی، مناقب الامام الاعظم أبی حنيفة (کراچی: ادارة القرآن، ۱۴۲۷ هـ.ق)، ۹۶/۱.

الله فقیه‌ترین مردم است، بدین معنی که او حافظ احادیث نیز بوده و مجموعه عظیمی از آن‌ها را در اختیار داشته است».^{۳۴}

علامه شمس الدین ذهبی نیز درباره او گفته است: «امام ابوحنیفه رحمه الله از آغاز جوانی به طلب حدیث پرداخت و در سال صد هجری و پس از آن، احادیث زیادی را جمع آوری کرد».^{۳۵}
این سخن حافظ ذهبی شهادتی است بر توجه بیشتر امام ابوحنیفه رحمه الله به حدیث و اهتمام ایشان به روایت و استنباط از حدیث است.

۷. شهادت علمای حدیث در تسلط امام ابوحنیفه رحمه الله بر حدیث

شمس الدین ذهبی از یحیی بن نصر بن حاجب در کتاب «سیر أعلام النبلاء» نقل کرده است: «از امام ابوحنیفه رحمه الله شنیده که می‌گفت: «صندوق‌هایی از احادیث دارم؛ اما از آن‌ها تنها مقدار اندکی را که مفید و صحیح هستند، بیرون آورده‌ام».^{۳۶}

این کلام علامه ذهبی نشان می‌دهد که امام ابوحنیفه رحمه الله تعداد زیادی حدیث را جمع آوری کرده؛ اما تنها احادیثی را که به نظرش کاربردی، مفید و صحیح است را نقل می‌کرد.

علامه ظفر احمد عثمانی تهانوی به نقل از یحیی بن معین درباره وکیع ابن جراح گفته است: «من کسی را بهتر از وکیع ندیدم، او به نظر امام ابوحنیفه رحمه الله فتوا می‌داد و همه احادیث او را حفظ کرده بود و احادیث بسیاری از امام ابوحنیفه رحمه الله شنیده بود».^{۳۷}

علامه عثمانی این گفته یحیی ابن معین را شرح داده نوشته است: «این سخن یکی از علمای بزرگ جرح و تعدیل، نشان‌دهنده کثرت احادیث نزد امام ابوحنیفه رحمه الله است که حتی وکیع ابن جراح استاد امام بخاری از احادیث او بی‌نیاز نبوده است».^{۳۸}

شیخ عبدالفتاح ابوغده نیز در مورد توجه زیاد امام ابوحنیفه رحمه الله به حدیث در کتاب «الانتقاء» با این استدلال گفته است: «اگر توجه امام ابوحنیفه به حدیث زیاد نبود، نمی‌توانست مسائل فقهی را استنباط کند؛ زیرا او اولین کسی بود که این استنباط را از دلایل شرعی انجام داد. عدم نقل

^{۳۴} ظفر احمد عثمانی تهانوی، قواعد فی علوم الحدیث، الفصل التاسع، مترجم. الإمام أبي حنيفة (ریاض: شركة العیکان لطباعة والنشر، ۱۴۰۴ ه.ق)، ۳۱۴.

^{۳۵} شمس الدین أبو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان بن قایماز الذهبی، سیر أعلام النبلاء، تحقیق. حسین اسد وشعیب الأرنؤوط، الطبقة الخامسة، رقم الترجمة: ۱۶۳ (بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ ه.ق)، ۳۹۶/۶.

^{۳۶} المکی، مناقب الامام الاعظم أبي حنيفة، ۹۷/۱.

^{۳۷} عثمانی، قواعد فی علوم الحدیث، ۳۱۵.

^{۳۸} عثمانی، قواعد فی علوم الحدیث، ۳۱۵.

گسترده احادیث او در خارج از مذهبش، به معنای بی‌توجهی او به حدیث نیست، همان طوری که برخی از حسودان ادعاه کرده‌اند و این ادعاه نادرست است».^{۳۹}

شیخ عبدالفتاح ابوغده دلیل قلت روایت حدیث از امام ابوحنیفه رحمه الله را با وصف آنکه حافظه قوی داشت، چنین توضیح می‌دهد:

«او به جای نقل حدیث، بیشتر وقت خود را صرف استنباط مسائل فقهی از دلایل شرعی کرد، همان طوری که بزرگان صحابه مانند حضرت ابوبکر و حضرت عمر رضی الله عنهما نیز مشغول حکومت داری بودند و به همین دلیل روایت‌های کمی از آن‌ها در مقایسه با علم‌شان روایت شده است».^{۴۰} او در ادامه نوشته است: «امام ابوحنیفه رحمه الله تنها به نقل احادیثی می‌پرداخت که آن‌ها را به طور دقیق به یاد داشت. طحاوی از امام ابویوسف قاضی نقل می‌کند که امام ابوحنیفه رحمه الله گفته است: «کسی نباید حدیثی را نقل کند مگر آن‌که از روزی که آن را شنیده تا روزی که نقل می‌کند، آن را به یاد داشته باشد».^{۴۱}

خطیب بغدادی نیز از اسرائیل بن یونس یکی از محدثین مشهور نقل کرده است: «نعمان (امام ابوحنیفه رحمه الله) چه مرد خوبی بود، چه حافظه قوی برای هر حدیثی که در آن فقه باشد داشت و چقدر درباره آن‌ها دقیق بود و چه آگاهی نسبت به فقه موجود در آن‌ها داشت».^{۴۲}

این تمجید و تعریف که خطیب بغدادی از یکی از محدثین مشهور در مورد امام ابوحنیفه رحمه الله با وصفی که از وی روایات زیادی در جرح او نقل شده، قابل تأمل است که مطابق مقوله مشهور (آنچه دشمنان شاهی دهند قابل قبول است) تصدیق می‌گردد.

۸. تسلط امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله بر فن جرح و تعدیل راویان حدیث

علمای بسیاری از امام ابوحنیفه رحمه الله در علم جرح و تعدیل (ارزیابی و نقد روایات حدیث) نقل قول‌هایش را پذیرفته‌اند و از او در این زمینه بهره برده‌اند. محی الدین عبدالقادر بن محمد قرشی حنفی رحمه الله گفته است: «بدان که امام ابوحنیفه رحمه الله قولش در جرح و تعدیل پذیرفته شده است و علمای این فن از او نقل کرده و بر اساس آن عمل نموده‌اند، همان طوری که از امام احمد،

^{۳۹} ابن عبدالبر اندلسی، *الانتقاء فی فضائل الأئمة الثلاثة الفقهاء*، تحقیق: عبدالفتاح أبوغده، ۲۲۴.

^{۴۰} حافظ ابن عبدالبر، *الانتقاء*، ۱۹۳.

^{۴۱} حافظ ابن عبدالبر، *الانتقاء*، ۱۹۸.

^{۴۲} ابن عبدالبر، *الانتقاء*، ۲۰۵.

بخاری، ابن معین، ابن المدینی و دیگر علمای جرح و تعدیل در این فن نیز نقل قول شده است. این امر نشان از تبحر روایی و وسعت علم امام ابوحنیفه رحمه الله و رهبری او در این زمینه دارد.^{۴۳} محی الدین عبدالقادر بن محمد قرشی حنفی در کتاب (الجواهر المضية فی طبقات الحنفية) از سفیان بن عیینه یکی از محدثین بزرگ نقل قول نموده نوشته است: «اولین کسی که مرا برای حدیث خوانی و به نشست استماع حدیث دعوت کرد، امام ابوحنیفه رحمه الله بود. وقتی به کوفه رسیدم، امام ابوحنیفه رحمه الله گفت: «این فرد داناترین مردم به حدیث عمرو بن دینار است، بیایید و از او بشنوید».^{۴۴}

این سخن سفیان ثوری به این معنی است که امام ابوحنیفه رحمه الله در ارزیابی و نقد روایات حدیث در میان علمای حدیث شناس، مقام بالایی داشته است. از علمای بزرگ حدیث که از اقوال نقدی امام ابوحنیفه رحمه الله در مسائل جرح و تعدیل استفاده کرده اند می توان به امام ترمذی، امام بیهقی، علامه ذهبی، حافظ ابن حجر عسقلانی، امام یافعی و دیگران اشاره کرد.^{۴۵}

در این راستا، برخی از نقدهای امام ابوحنیفه رحمه الله درباره افراد مختلف نقل شده است که نشانگر تسلط و دقت او در شناخت علم روایت، درایت و جرح و تعدیل راویان حدیث است، به طور فشرده اشاره می شود:

امام بیهقی در کتاب (دلایل النبوة) نوشته است: «امام ابوحنیفه رحمه الله درباره نقد و جرح جابر جعفی یکی از راویان حدیث گفته است: «هیچکس را دروغگوتر از جابر جعفی ندیدم».^{۴۶} امام ذهبی نوشته است: «امام ابوحنیفه رحمه الله درباره عطاء بن ابی رباح گفته است: «هیچکس را بهتر (ثقه تر) از عطاء بن ابی رباح ندیدم».^{۴۷}

حافظ ابن حجر عسقلانی قول امام ابوحنیفه رحمه الله را درباره سفیان ثوری نقل نموده نوشته است: «امام ابوحنیفه رحمه الله گفته است: از سفیان ثوری روایت کنید؛ زیرا او ثقه است، مگر در

^{۴۳} أبو محمد محی الدین عبدالقادر بن محمد القرشی الحنفی، الجواهر المضية فی طبقات الحنفية، تحقیق. عبدالفتاح محمد الحلو (هند/حیدرآباد دکن: مجلس دائرة المعارف النظامية، ۱۳۳۲ هـ.ق)، ۳۰/۱.

^{۴۴} الحنفی، الجواهر المضية فی طبقات الحنفية، ۳۲/۱.

^{۴۵} أبو عیسی محمد بن العیسی بن سورة الترمذی، العلل الصغیر للترمذی، تحقیق. احمد محمد شاکر، باب جواز الحكم علی الرجال والأسانید (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۵۷ هـ.ق / ۱۹۳۸ م)، ۷۳۹.

^{۴۶} ابی بکر احمد بن الحسین البیهقی، دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة (بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ هـ.ق / ۱۹۸۸ م)، ۴۵/۱.

^{۴۷} ذهبی، تذکرة الحفاظ، الطبقة الخامسة، ترجمة. جعفر بن محمد، ۱۲۵/۱.

مواردی که از ابو اسحاق السبئی از الحارث بن عبدالله الاعور نقل کرده باشد یا در حدیث جابر جعفی؛ یعنی روایت ثوری از ابو اسحاق و جعفی مقبول نیست».^{۴۸}

علامه حافظ ابن حجر عسقلانی نوشته است: «از امام ابوحنیفه رحمه الله درباره جعفر بن محمد سؤال شد، ایشان فرمود: هیچکس را فقیه تر از جعفر بن محمد ندیدم».^{۴۹}

علامه یافعی نوشته است: «از امام ابوحنیفه رحمه الله درباره زید بن عیاش پرسیده شد، ایشان فرمود: «زید بن عیاش مجهول است».^{۵۰}

«از ایشان درباره جهم بن صفوان و مقاتل بن سلیمان، دوتن از روایان حدیث سؤال شد، ایشان فرمودند: از مشرق دو عقیده فاسد وارد شد: جهم معطل (اهل تعطیل) و مقاتل مُشبه (اهل تشبیه)».^{۵۱}

حافظ ابن حجر نوشته است: «از امام ابوحنیفه رحمه الله درباره ابو الزناد پرسیده شد، ایشان فرمود: «ابو الزناد از ربیع فقیه تر بود».^{۵۲}

علامه عبدالقادر قرشی حنفی فرموده است: «از امام ابوحنیفه رحمه الله درباره عمرو بن عبید سؤال شد، ایشان فرمود: «نفرین بر عمرو بن عبید؛ زیرا او دروازه ای را به روی علم کلام گشود».^{۵۳}

این نقدها و ارزیابی ها نشان می دهد که امام ابوحنیفه رحمه الله در فن جرح و تعدیل، که به دقت در ارزیابی روایات و رجال حدیث مربوط می شود، از علم و مهارت گسترده ای برخوردار بوده و جایگاه رفیعی در این زمینه داشته است.

۹. مناقشه جرح برخی محدثین نسبت به امام ابوحنیفه رحمه الله

از علمای علم رجال در مورد امام ابوحنیفه رحمه الله، سخنان متناقضی نقل شده است. از آن جا که گویا خطیب بغدادی، مؤلف کتاب «تاریخ بغداد»، با امام ابوحنیفه رحمه الله دشمنی داشته، حجم وسیعی از روایات ضعیفی را که دلالت بر تضعیف و جرح امام ابوحنیفه رحمه الله دارد، می توان در این کتاب یافت. به عنوان مثال: در حالی که خطیب به نقل از عبدالله بن مبارک آورده که وی گفته است «ابوحنیفه رحمه الله در حدیث یتیم بوده» (یعنی از حدیث و علم آن بهره ای نداشته) اما از

^{۴۸} ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، باب حرف الزا، من اسمه زید، رقم الترجمة: ۴۲۴/۳، ۷۷۴.

^{۴۹} ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، حرف المیم، من اسمه مقاتل، رقم الترجمة: ۵۰۱، ۲۸۱/۱۰.

^{۵۰} أبو محمد عقیف الدین عبد الله بن أسعد الباقعی، مرآة الجنان وعبرة الیقظان فی معرفة ما یعتبر من حوادث الزمان، سنة إحدى وثلاثین ومائة، تحقیق: خلیل المنصور (بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ هـ.ق / ۱۹۹۷ م)، ۲۱۵/۱.

^{۵۱} یافعی، مرآة الجنان وعبرة الیقظان، ۲۱۵.

^{۵۲} ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۴۲۴/۳.

^{۵۳} الحنفی، الجواهر المضمیة فی طبقات الحنفیة، ۳۱/۱.

همین ابن مبارک در مواقع دیگری روایات زیادی را در تعدیل و توثیق امام ابوحنیفه رحمه الله در حدیث و مدح او نقل نموده است که تناقض آشکاری را نشان می دهد.^{۵۴}

به همین دلیل واقعاً تمیز دادن این روایات متناقض و جدا کردن صحیح از ناصحیح آن‌ها بسیار مشکل است و نمی توان بر اساس اقوال برخی علمای رجال در مورد موقعیت امام ابوحنیفه رحمه الله در حدیث و روایت آن به تضعیف وی حکم نمود.

نسائی، صاحب یکی از صحاح سته، امام ابوحنیفه رحمه الله را در حدیث ضعیف دانسته و ابن عدی و ابن حبان و تعدادی دیگر از محدثین نیز نسائی را در این مورد پیروی کرده اند.^{۵۵}

از محدثین دیگر هم چون مسلم بن حجاج نیشاپوری صاحب کتاب صحیح، یحیی بن معین و قیس بن ربیع در تاریخ بغداد نیز روایاتی نقل شده که بر اساس آن امام ابوحنیفه رحمه الله از جمله ضعفاء در حدیث و حتی متروکین در این فن معرفی شده است.^{۵۶}

در کتاب‌های دیگر تاریخی نیز روایاتی یافت می شود که نشانگر آن است که امام ابوحنیفه رحمه الله از جمله ضعفاء در حدیث بوده است.^{۵۷}

امام بخاری رحمه الله درباره امام ابوحنیفه رحمه الله گفته است: «او مرجئی بود، و از عقیده اش و حدیثش سکوت کرده اند».^{۵۸}

ابن ابی حاتم رازی^{۵۹} نیز در نقد امام ابوحنیفه رحمه الله سخن گفته است.

در پاسخ همه ناقدان شان باید گفت که این بزرگواران تنها جرح‌های (انتقادهای) را از زبان راویانی حکایت کرده اند که این‌ها نزد خود شان مجروح و غیر قابل اعتبار اند، پس چگونه جرح آن راویان مجروح را در مورد بزرگترین مجتهد و امام یکی از مذاهب پیروی شده‌ای فقهی را قبول نموده اند، واقعاً جای تعجب است، ضمناً انصاف ایجاب می کرد که موارد تعدیل (تأیید) را که در مورد امام صاحب منقول است، ذکر می کردند. این انتقادهای ممکن است به دلیل عدم آگاهی از جوانب تعدیل و یا پیش داوری باشد. به عنوان مثال: نقل شده که یحیی بن معین در مورد امام

^{۵۴} خطیب، تاریخ بغداد، ۳۴۴-۳۴۳.

^{۵۵} ذهبی، تذکره الحفاظ، ۳۹۰/۵.

^{۵۶} خطیب، تاریخ بغداد، ۴۳۰-۴۵۰/۱۳.

^{۵۷} احمد بن سعد بن المنیع الهاشمی البصری، الطبقات الکبری، تحقیق. محمد عبدالقادر عطا (بیروت: دارالکتب

العلمیة، ۱۴۱۰ هـ.ق / ۱۹۹۰ م)، ۳۶۹/۶.

^{۵۸} الحافظ أبو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم الجعفی البخاری. التاريخ الكبير (بیروت: دارالکتب العلمیة،

۱۴۱۳ هـ.ق)، ۸۱/۸.

^{۵۹} أبو محمد عبدالرحمن بن محمد ابن ابی حاتم الرازی، الجرح والتعديل (هند/حیدرآباد دکن: ۱۲۷۱ هـ.ق / ۱۹۵۲

م)، ۴۴۹/۸.

ابوحنیفه رحمه الله گفته است: «ابوحنیفه رحمه الله در روایت حدیث ثقه بود و تا حدیثی را خود با دقت حفظ نمی کرد از روایت آن خودداری می نمود».^{۶۰}

در روایاتی دیگر نیز یحیی بن معین امام ابوحنیفه رحمه الله را با الفاظی چون «ثقه ثقه»^{۶۱} «ثقه لأبأس به»^{۶۲} «كان و الله أروع من أن يكذب»^{۶۳} و «صدوقاً صدوقاً في الحديث و الفقه»^{۶۴} در علم حدیث و روایت آن مورد تأیید و مدح قرار داده و بر راستی و امانت داری وی گواهی داده است. پاسخ به این نقدها در کلام خطیب بغدادی در کتاب «الكفاية في علم اصول الرواية» نیز تصریح شده که گفته است: «هر کسی که به عدالت و امانت مشهور باشد، دیگر نیازی به تصدیق و تزکیه کسی ندارد».^{۶۵}

او توضیح می دهد، کسی که در علم حدیث به صداقت، امانت و عدالت شناخته شده باشد، نیازی به تأیید دیگری ندارد. امام ابوحنیفه رحمه الله به اندازه ای مشهور است که همانند دیگر علمای بزرگ، نیازی به تأیید و تزکیه ندارد. همان طور که در ثنای علماء بر امام ابوحنیفه رحمه الله اشاره شد، علمای بسیاری در باره مقام علمی و دینی او شهادت داده اند که این خود دلیلی بر عدالت و صحت اعتقادات و فقه او است.

اگر بخواهیم به گفته های خطیب بغدادی توجه کنیم، امام ابوحنیفه رحمه الله که در رتبه ای بلندی از علم و تقوی قرار دارد، نیازی به تزکیه از دیگران ندارد؛ زیرا جایگاه او در میان اهل علم به ویژه در میان اساتید بزرگ و شاگردانش تثبیت شده است.^{۶۶}

علامه حافظ شمس الدین ذهبی در مورد حافظه امام ابوحنیفه رحمه الله، قول شعبه بن الحجاج یکی از مشهورترین علمای علم جرح و تعدیل راویان حدیث را نقل نموده نوشته است: «امام ابوحنیفه رحمه الله حقیقتاً دارای فهم و حافظه بسیار قوی بود».^{۶۷}

این کلام شعبه بن الحجاج به وضوح بیانگر قوت حافظه امام است و ردی بر تمام ادعاهای ضعیفی است که برخی از معاصران او یا کسانی که بعداً به او حمله نموده، مطرح کرده اند.

^{۶۰} خطیب، تاریخ بغداد، ۴۴۹/۶.

^{۶۱} خطیب، تاریخ بغداد، ۴۵۰/۶.

^{۶۲} ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۴۵۳/۵.

^{۶۳} خطیب، تاریخ بغداد، ۴۴۹/۶.

^{۶۴} ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۴۵۰/۵.

^{۶۵} الحافظ أبو بكر أحمد بن علی الخطیب البغدادی، الكفاية في اصول علم الرواية، تحقیق. ابی اسحاق الدمیاطی (قاهرة: دارالهدی، ۱۴۲۳ هـ ق / ۲۰۰۳ م)، ۸۶/۲ - ۸۷.

^{۶۶} بغدادی، الكفاية في اصول علم الرواية، ۸۷/۲.

^{۶۷} ذهبی، تذكرة الحفاظ، ۱۲/۱.

۱۰. وفات امام ابوحنیفه رحمه الله

علامه حافظ ابن حجر هیتمی شافعی نوشته است: «امام ابوحنیفه رحمه الله در زمان خلافت ابو جعفر منصور یکی از پر قدرت‌ترین خلفای عباسی به درخواست او برای پذیرش مقام قضاوت امتناع کرد و به همین دلیل به زندان افتاد. او در رجب سال ۱۵۰ هجری (درست یا تقریبی) در بغداد به زندان درگذشت و در سن هفتاد سالگی به دیار باقی شتافت. جنازه او در مقابر خیزران در بغداد دفن شد و از شدت ازدحام مردم، شش بار بر جنازه او نماز خوانده شد. آخرین فردی که بر جنازه امام ابوحنیفه رحمه الله نماز خواند، پسرش حماد بن امام ابوحنیفه رحمه الله بود.»^{۶۸}

۱۱. مسانید امام ابوحنیفه رحمه الله

صاحب کتاب «هدیه العارفین» در شرح حال امام ابوحنیفه رحمه الله آورده است: «او مسندی در حدیث دارد.»^{۶۹}

حاجی خلیفه در کتاب «کشف الظنون» گفته است: «مسند امام اعظم امام ابوحنیفه رحمه الله، نعمان بن ثابت کوفی را حسن بن زیاد لؤلؤی روایت نموده و شیخ قاسم بن قطلوبغا حنفی مسند امام ابوحنیفه رحمه الله به روایت حارثی را بر ابواب فقه ترتیب داده است.»^{۷۰}

مختصر مسند امام ابوحنیفه رحمه الله که به «المعتمد» مسمی است، به وسیله جمال‌الدین محمد بن احمد القونوی دمشقی اختصار شده، سپس آن را شرح نموده که به نام «المستند» نامیده می‌شود و زواید آن را ابوالمؤید محمد بن محمود خوارزمی جمع آوری کرده است.^{۷۱} محمد ابوزهره حنفی ۱۵ مسند امام ابوحنیفه رحمه الله را ذکر نموده است.^{۷۲}

حاجی خلیفه در کشف کتاب «الظنون» نوشته است: «طوری که ذکر نمودیم، اگرچه امام ابوحنیفه رحمه الله این مسانید را با دست خویش به نگارش نگرفته و خودش به تألیف آن‌ها نپرداخته است، مگر آن‌چه را که اصحابش و به‌ویژه صاحبین ابویوسف و امام محمد بن حسن شیبانی تألیف کرده‌اند، همه کتب امام ابوحنیفه رحمه الله اند؛ زیرا امام اعظم رحمه الله بر آنان املا نموده و خودش مراجعه کرده و محتوای آن‌ها را تأیید کرده است و حتی کتاب‌های اصحاب و یارانش که نوشته‌اند و

^{۶۸} ابن حجرالهیتمی، الخیرات الحسان، ۳۶.

^{۶۹} اسماعیل باد شاه بن محمد امین بن میرسلیم البابانی، هدیه العارفین اسماء المؤلفین وآثار المصنفین (بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ هـ.ق.)، ۲۳۱/۱.

^{۷۰} مصطفی بن عبدالله معروف به حاجی خلیفه، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون (بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۳۲ هـ.ق.)، ۱۶۸/۲.

^{۷۱} محمد عبدالرشید نعمانی، مکانة الامام ابی حنیفه فی الحدیث (بیروت: دارالبشائر، ۱۴۱۶ هـ.ق.)، ۴۵.

^{۷۲} ابوزهره، الامام أبوحنیفه حیاة، عصره، ارثه و فقهه، ۱۷۶.

به نام‌های آنان یاد می‌شود مانند «السير الصغير والسير الكبير» از محمد بن حسن و کتاب مبسوط که منسوب به امام محمد است و کتاب «الآثار» این‌ها همه از املائی امام اعظم رحمه الله است.^{۷۳} خلاصه این که امام ابوحنیفه رحمه الله تعدادی از کتاب‌ها را خودش تألیف نموده و نوشته است مانند کتاب: فقه الاکبر و رساله العالم والمتعلم و رساله‌ای را که به عثمان البتی و کتاب الرد علی القدریه و غیره و کتاب‌های دیگری را که از طریق املائی شاگردانش تألیف نموده، بعد به آن‌ها مراجعه نموده و خطا و غلطی را که در آن بوده، تصحیح نموده است.^{۷۴} موفق مکی در این موضوع نوشته است: «امام ابوحنیفه رحمه الله یک یک مسأله را به شاگردانش القاء می‌کرد و آن‌چه را که نزد آنان بود، می‌شنید و چیزی که با خود داشت، می‌گفت و با آنان مناظره می‌کرد تا آن‌که بر یکی از اقوال اتفاق می‌شد. بعداً امام ابویوسف آن را در اصول ثبت و جابه‌جا می‌نمود».^{۷۵}

۱۲. جمع‌آوری مرویات امام ابوحنیفه رحمه الله

در مباحث گذشته راجع به حفظ امام ابوحنیفه رحمه الله و شرط وی در روایت حدیث و نقش وی در جرح و تعدیل، تفصیلاتی پیشکش نمودیم و در نتیجه روشن شد که امام محدث بوده و مانند سایر امامان دارای روایات حدیث است. وی بنابر گواهی فقهای اعلام و بنابر مراجعه به کتاب‌های او و کتاب‌های شاگردانش و مطالعه استنباطات فقهی که بر نصوص شرعی کتاب و سنت بناء کرده است، بر احادیث دسترسی کامل داشته و در روایات حدیث هیچ‌گاه بی توجه نبوده است. محمد بن سماعه گفته است: «امام ابوحنیفه رحمه الله در تصانیف خویش (مسائلی که بر شاگردانش املا نموده است) هفتاد و چند هزار حدیث را ذکر نموده و کتاب الآثار را از چهل هزار حدیث انتخاب کرده است».^{۷۶}

ظفر احمد عثمانی تهنوی گفته است: «برای صحت این قول آن‌چه را که یارانش از وی روایت کرده‌اند همانند محمد بن حسن شیبانی در کتب شش‌گانه (الأصل، جامع الکبیر، جامع الصغیر، سیرالکبیر، سیرالصغیر و زیادات) که معروف به ظاهرالروایة اند و اقوال دیگر امام صاحب که از طریق غیر صاحبین روایت شده‌اند که به نام نادرالروایة یاد می‌شود، مسائلی است که در حصر و شمار نمی‌آید، همه این مسائل در تحقیقت مفهوم احادیثی اند که امام ابوحنیفه رحمه الله به طریق

^{۷۳} أبو زهرة، امام أبوحنیفه حیاتة وعصره - آرائه و فقهه، ۱۷۰.

^{۷۴} مکی، مناقب الامام ابی حنیفة، ۷۶.

^{۷۵} مکی، مناقب الامام ابی حنیفة، ۷۷.

^{۷۶} نعمانی، مکانة الامام ابی حنیفة فی الحدیث، ۴۵.

افتاء، نه به طریق تحدیث، روایت نموده است. امام ابوحنیفه رحمه الله در این روایات به خاطر شدت و احتیاط، قال رسول الله صلی الله علیه و سلم نگفته است.^{۷۷}

از این رو آن را به طریق افتاء که شبیه روایت بالمعنی است، روایت نموده است. البته با آن هم احادیث زیادی را به طریق اسناد روایت کرده که حافظان حدیث برخی از آنها را در مسانید امام صاحب و برخی را صاحبش محمد بن حسن شیبانی در کتاب‌های از قبیل (الآثار، مؤطأ، کتاب الحجة علی اهل المدینة، ذکر نموده است. همچنین امام ابویوسف در کتاب «الآثار» و ابن المبارک و حسن بن زیاد و دیگران در کتاب‌های شان و وکیع بن الجراح در «المسند» و ابوبکر ابن ابی شیبه و عبدالرزاق الصنعانی در «مصنف» شان و حاکم در «المستدرک علی الصحیحین» و ابن حبان در «الصحیح و کتاب الثقات»، بیهقی در «سنن» و طبرانی در «معاجم ثلاثه» و دارقطنی در کتاب‌هایش آورده است.^{۷۸}

کسی که این کتب را تتبع نماید، مجموعه بزرگی از احادیث امام ابوحنیفه رحمه الله را در آنها می‌یابد اگر در یک مجلد گردآوری شود، مجلد ضخیم و بزرگی از احادیث را تشکیل می‌دهد. و از دلایلی که به کثرت احادیث امام ابوحنیفه رحمه الله دلالت می‌کند، وجود یاران حفاظ او اند که محدثین به حفظ و وسعت علم آنان گواهی داده‌اند.

ابو عبدالله وادعی همدانی نوشته است: «امام ابوجعفر طحاوی با سندش از اسد بن فرات روایت می‌کند که اصحاب امام ابوحنیفه رحمه الله آنانگی که اقوال او را تدوین نموده‌اند، به چهل تن می‌رسند که در ده اوایل آن‌ها امام ابویوسف، امام محمد بن حسن شیبانی، امام زفر، داود طائی، اسد بن عمر، یوسف بن خالد السمی، یحیی بن زکریا و ابن ابی زائده می‌باشند».^{۷۹}

کسی که شاگردانش چنین حفاظ حدیث و علمای بزرگ باشند، چگونه ممکن است که خودش قلیل الحدیث باشد؟ در پهلوی این که او به اجماع موافقین و مخالفین، مجتهد بوده- و از شرایط اجتهاد هم این است که مجتهد باید به احادیث احکام، علم و احاطه داشته باشد و این احادیث به هزارها می‌رسد- و مذهبش در صدها و بلکه هزارها مسأله با احادیث صحیح موافق است، آیا می‌شود محدث نباشد؟

^{۷۷} عثمانی، قواعد فی علوم الحدیث، ۲۸.

^{۷۸} نعمانی، مکانة الامام ابی حنیفة فی الحدیث، ۴۶.

^{۷۹} أبو عبدالرحمن مقبل بن هادی بن مقبل الهمدانی الوادعی، نشر الصحیفة فی ذکر الصحیح من اقوال ائمة الجرح والتعدیل فی ابی حنیفة (قاهره: دار الحرمین، ۱۴۲۲ ه.ق)، ۱۲۳.

سید مرتضی زبیدی احادیث مسند امام ابوحنیفه رحمه الله را که در روایتش با اصحاب کتب سته موافق است، جمع نموده و آن را «عقود الجواهر المنیفة فی ادلة مذهب الإمام ابی حنیفة مما وافق فیہ الائمة الستة او احدهم» نامیده است.^{۸۰}

امام ابوحنیفه رحمه الله برحسب روایت حفاظ، از چهارهزار شیخ و محدث حدیث نوشته و از آن‌ها استماع و روایت کرده است.

دکتور محمد السعید حویّ نوشته است: «یحیی بن نصر گفته است: «بر امام ابوحنیفه رحمه الله در خانه‌ای که مملو از کتب بود، وارد شدم و برایش گفتم: این‌ها چیست؟ گفت: این‌ها احادیثی است که جز از اندکی از آن‌ها که مورد استفاده قرار می‌گیرد، حدیث بیان نکرده‌ام».^{۸۱}

این‌ها همه دلیل بر آن است که امام ابوحنیفه رحمه الله به حدیث تعمق و اهتمام داشته و آن‌ها را حفظ و جمع نموده، از آن‌ها استفاده و مذهبش را بر آن‌ها بنا نموده است.

بلی او همانند عادت سایر محدثین، برای تحدیث ننشسته و هر خشک و تری را روایت نکرده و از هر کسی حدیث نشنیده است. او هرچند که در اخبار و آثار، کتابی تصنیف و تألیف ننموده، طوری که امام مالک رحمه الله و سایر ائمه تألیف کرده‌اند؛ لیکن یاران و شاگردانش احادیث او را در کتاب‌ها و مسانید جمع‌آوری نموده‌اند که حدوداً به بیست و یک مسند می‌رسد که در مباحث گذشته توضیحات داده شد.

موفق مکی از حسن بن زیاد نقل می‌کند که گفته است: «امام ابوحنیفه رحمه الله چهارهزار حدیث را روایت می‌کرد که دوهزار از استادش حماد و دو هزار دیگر از سایر استادانش بود».^{۸۲}

خطیب بغدادی از ابونعیم از محمد بن سعد کاتب روایت می‌کند که گفته است: «از عبدالله بن داوود خربیی شنیدم که می‌گفت: بر همه اهل اسلام لازم است که به امام ابوحنیفه رحمه الله در نمازهای‌شان دعا کنند و یادآور شد که او برای آنان سنت و فقه را حفظ کرده است».^{۸۳}

این همه شواهد دلالت دارد که علماء قدر و جایگاه امام ابوحنیفه رحمه الله را می‌شناختند و او را تقدیر می‌کردند و اعتراف داشتند که وی حدیث و فقه را جمع نموده، سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم را با حفظ اقوال و افعال‌شان بر آنان حفظ کرده است. این کار جز از طریق جمع احادیث و حفظ آن بدست نمی‌آید، از قراین ثابت است که امام ابوحنیفه رحمه الله احادیث را جمع و سنت را حفظ نموده است.

^{۸۰} سید محمد مرتضی بن محمد عبدالرزاق زبیدی حنفی، عقود الجواهر المنیفة فی ادلة مذهب امام ابی حنیفة مما وافق فیہ الائمة الستة او احدهم (هند: جامعه الاشریفة مبارک پور، ۱۴۳۹ هـ. ق - ۲۰۱۸ م)، ۲/۲۶۵.

^{۸۱} حویّ، المدخل الی مذهب الامام ابی حنیفة النعمان، ۶۵.

^{۸۲} مکی، مناقب الامام ابی حنیفة، ۴۷.

^{۸۳} بغدادی، الکفایة فی علم اصول الروایة، ۸۸/۲.

امام ابوحنیفه رحمه الله در کوفه نشأت کرد و کوفه در آن روزگار مرکز بزرگ علماء، محدثین و فقهاء بود، امام ابوحنیفه رحمه الله نیز به تحصیل علم و حفظ احادیث صحیح خود را وقف کرده بود. از این رو از بین چهل هزار حدیث، احادیث خود را اختیار کرد و احادیث کوفه و عراق و سایر اماکن را جمع نمود، هرگاه محدثی وارد کوفه می شد برای بیان حدیث می نشست، امام ابوحنیفه رحمه الله، یاران و شاگردان خود را می فرستاد تا از او بشنوند و هرگاه به حدیثی برمی خورد که نزد وی نبود، آن را می گرفت و تلقی می کرد.^{۸۴} با این نگارش و این توضیحاتی که در جوانب مختلف حدیثی امام به عمل آمد، به اثبات می رسد که امام ابوحنیفه رحمه الله احادیث زیادی را جمع نموده که در هفده نه؛ بلکه در بیست و یک مسند جمع آوری شده و برخی هم در کتاب «الآثار» آمده و برخی را هم شاگردانش جمع آوری نموده اند.^{۸۵}

ابوالمؤید موفق مکی می نویسد: «امام محمد بن شجاع نگاشته است: «در تألیفات امام ابوحنیفه رحمه الله، نزدیک به هفتاد و چند هزار حدیث موجود است».^{۸۶} قابل ذکر است که تعداد هفتاد و چند هزار حدیث فقط مقدار اندکی از آن احادیثی است که امام اعظم رحمه الله از اساتید خود استماع، جمع و حفظ کرده بود. تعداد اصلی احادیث مسموعه ایشان بسیار زیاد است؛ چنان که امام حافظ زکریا بن یحیی انصاری با اسناد خود از یحیی بن نصر حاجب روایت می کند که از امام ابوحنیفه رحمه الله شنیدم که می فرمود: «من صندوق هایی از احادیث را جمع آوری نموده ام؛ ولی فقط به اندازه کمی که به نفع مردم است، از آن ها حدیث بیان می کنم. در جای دیگر نقل شده است که امام اعظم رحمه الله خانه ای مملو از کتاب های حدیث داشت».^{۸۷}

نتیجه گیری

در نتیجه گیری باید گفت که امام ابوحنیفه رحمه الله نه تنها امام در فقه، اجتهاد و استنباط احکام است؛ بلکه در حدیث و روایت آن نیز امام و قدوه بوده، در فقه و فهم نکات فقهی احادیث از استعداد و اهلیت خاصی برخوردار بوده است؛ از این رو نقش و مکانت امام در حدیث واضح و روشن می گردد. امام ابوحنیفه رحمه الله یکی از بزرگترین فقهای اسلامی و بنیان گذار مذهب فقهی است. در زمینه علم حدیث، او جایگاه ویژه ای دارد. امام ابوحنیفه رحمه الله به دلیل اختلاف نظرها در مورد جایگاه اش به عنوان راوی حدیث، گاه ضعیف شمرده شده است؛ اما با توجه به تقوای او، بعید به

^{۸۴} بغدادی، الکفایة فی علم اصول الروایة، ۸۹/۲.

^{۸۵} نعمانی، مکانة الامام ابی حنیفة فی الحدیث، ۸۷.

^{۸۶} محمد بن عبدالعزیز بن محمد الشایع، الآثار الواردة عن السلف فی الامام ابی حنیفة دراسة عقديّة نقدیة، مجلة العلوم الشرعیة واللغة العربیة (سعودی: جامعة الامیرسپتام بن عبدالعزیز، ۱۴۳۵ هـ.ق)، ۸۷/۱۲.

^{۸۷} الشایع، الآثار الواردة عن السلف فی الامام ابی حنیفة، ۸۸.

نظر می‌رسد که در روایت حدیث متروک یا ضعیف باشد. ضعف در روایت دو معنا دارد: یکی سهل‌انگاری در نقل حدیث، که امام ابوحنیفه رحمه الله از آن مبرا است، و دیگری کم‌روایت کردن حدیث، که در این معنا می‌توان توجیه کرد، چون او بیشتر به استنباط احکام فقهی مشغول بود و به دلیل احتیاط و گسترش جعل حدیث در زمانش، کمتر به نقل مستقیم احادیث می‌پرداخت.

برخی از اهل حدیث او را ضعیف دانسته‌اند؛ اما بسیاری از علماء بر صداقت و امانت او تأکید دارند. علمای حنفی نیز در دفاع از او کتاب‌هایی مانند «الرد علی الخطیب» تألیف کرده‌اند.

امام ابوحنیفه رحمه الله با آگاهی گسترده از علوم مختلف، به‌ویژه فقه و حدیث، توانست از طریق اجتهادات دقیق و تحلیل‌های علمی، رویکردی نوین به فقه اسلامی ارائه دهد. امام ابوحنیفه رحمه الله در حالی که در کنار علوم حدیث، به اصول اجتهادی خاص خود در فقه پایبند بود، به شدت در حفظ و نقل احادیث صحیح اهتمام داشت و تنها آن دسته از روایات را قبول می‌کرد که به درستی از راویان معتبر به او رسیده بود.

وی در مسائل علمی، به‌ویژه در حوزه جرح و تعدیل، به‌طور گسترده‌ای مورد تأیید و ستایش قرار گرفت. بسیاری از بزرگترین علمای اهل سنت از جمله امامان محدثین و فقهای معروف از او به‌عنوان یک امام ثقه و مورد اعتماد و برجسته یاد کرده‌اند. امام ابوحنیفه رحمه الله در تطبیق احادیث با مسائل فقهی نیز تخصص ویژه‌ای داشت و توانست فقه را به روشی علمی و منظم تدوین کند که پیروان زیادی پیدا کرد.

از نظر اخلاقی، امام ابوحنیفه رحمه الله به‌عنوان فردی زاهد، متواضع و پرهیزگار شناخته می‌شد که هرگز به دنیای فانی وابسته نشد و همواره در پی تأسیس جامعه‌ای بر اساس اصول اسلامی بود. در نهایت، با توجه به آموزه‌های امام ابوحنیفه رحمه الله، همچنان دیدگاه‌ها و اجتهادات او در دنیای اسلام از اهمیتی ویژه برخوردار است.

فهرست منابع

۱. ابلاغ، عنایت الله ابلاغ. امام اعظم ابوحنیفه و افکار او. ترجمه. فضل من الله فضیلت. کابل: وزارت ارشاد، حج و اوقاف افغانستان، ۱۳۹۸ ه.ش.
۲. ابن بزاز الکردی، محمد بن محمد بن شهاب. مناقب الامام الاعظم. هند/حیدرآباد دکن: لجنة احياء المعارف النعمانية، ۱۳۲۱ ه.ق.
۳. ابن حجر الهیثمی، شهاب الدین احمد بن محمد بن حجر الهیثمی. الخیرات الحسان فی مناقب ابی حنیفة النعمان. دمشق: دارالهجرة الرشاد، ۱۴۲۷ ه.ق- ۲۰۰۷ م.
۴. ابن حجر عسقلانی، أبو الفضل شهاب الدین احمد بن علی. تهذیب التهذیب. جلد ۳. بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۵ ه.ق / ۲۰۰۴ م.
۵. ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع الهاشمی البصری. الطبقات الكبرى. جلد ۶. دراسة وتحقیق. محمد عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۰ ه.ق.
۶. ابن شاهین، أبو حفص عمر بن احمد بن عثمان تاریخ أسماء الثقات. تحقیق. صبحی السامرائی. کویت: دارالكتاب العربی، ۱۴۰۴ ه.ق / ۱۹۸۴ م.
۷. ابن عبدالبر الأندلسی، حافظ أبو عمر یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر. الإنتقاء فی فضائل الأئمة الثلاثة الفقهاء. تحقیق: عبدالفتاح أبو غدة. سورية/حلب: مكتب المطبوعات الاسلامية بحلب، ۱۴۱۷ ه.ق / ۱۹۹۷ م.
۸. أبو زهرة، محمد أبو زهرة. أبو حنیفة، حیاتة وعصره - آرائه وفقهه. قاهره: دارالفکر العربی، ۱۹۹۱ م.
۹. أبو زید عبدالرحمن بن محمد ابن خلدون، العبر (تاریخ ابن خلدون). جلد ۲. ترجمه. عبدالمحمد آیتی. ایران: پژوهشگاه علوم انسانی ومطالعات، ۱۳۸۳ ه.ش.
۱۰. اصفهانی، أبو نعیم احمد بن عبدالله. حلیة الاولیاء. مصر: مطبعة السعادة، ۱۳۹۴ ه.ق.
۱۱. ایوبی، الملک المعظم أبو مظفر عیسی بن سیف الدین. السهم المصیب فی الرد علی الخطیب. بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ ه.ق.
۱۲. بخاری، الحافظ أبو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم البخاری الجعفی. التاریخ الكبير. جلد ۲. بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۳ ه.ق.
۱۳. بیهقی، ابی بکر احمد بن الحسین البیهقی. دلائل النبوة ومعرفة احوال صاحب الشریعة. بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ ه.ق / ۱۹۸۸ م.
۱۴. ترمذی، أبو عیسی محمد بن عیسی بن سوره. العلل الصغیر. تحقیق. احمد محمد شاکر. بیروت: دارإحياء التراث العربی، ۱۳۵۷ ه.ق / ۱۹۳۸ م.

۱۵. الحنفی، أبو محمد محی الدین عبدالقادر بن محمد الحنفی. *الجواهر المضية في طبقات الحنفية*. تحقیق. عبدالفتاح محمد الحلو. هند/حیدرآباد دکن: مجلس دائرة المعارف النظامية، ۱۳۳۲ هـ.ق.
۱۶. الحوی، احمد السعید. *المدخل الى مذهب الامام ابی حنیفة*. جدة: دارالاندلس الخضراء، ۱۴۲۳ هـ.ق / ۲۰۰۲ م.
۱۷. خطیب البغدادی، الحافظ أبوبکر احمد بن علی الخطیب. *الكفاية في اصول علم الرواية*. تحقیق. ابی اسحاق الدمیاطی. قاهرة: دارالهدی، ۱۴۲۳ هـ.ق / ۲۰۰۳ م.
۱۸. خطیب البغدادی، الحافظ أبوبکر احمد بن علی. *تاریخ بغداد، (تاریخ مدينة السلام)*. دراسة وتحقیق. مصطفى عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمية، ۱۴۲۵ هـ.ق / ۲۰۰۴ م.
۱۹. ذهبی، شمس الدین أبو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان. *تذكرة الحفاظ وطبقات الحفاظ*. بیروت: دارالکتب العلمية، ۱۴۱۹ هـ.ق - ۱۹۹۸ م.
۲۰. ذهبی، شمس الدین أبو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان بن قایماز الذهبی. *سير أعلام النبلاء*. تحقیق: حسین اسد وشعیب الأرنؤوط. بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ هـ.ق.
۲۱. ذهبی، شمس الدین أبو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان. *مناقب الامام ابی حنیفة وصاحبه*. تعلیق وتحقیق. محمد زاهد کوثری. هند، حیدرآباد دکن: لجنة احياء المعارف النعمانية، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۲۲. الرازی، أبو محمد عبدالرحمن بن محمد ابن ابی حاتم. *الجرح والتعديل*. هند/حیدرآباد دکن: ۱۲۷۱ هـ.ق / ۱۹۵۲ م.
۲۳. زبیدی، سید محمد مرتضی بن محمد عبدالرزاق زبیدی حنفی. *عقود الجواهر المنيفة في ادلة مذهب الامام ابی حنیفة مما وافق فيه الأئمة الستة او احدهم*. هند: جامعة الاشرافية مبارک پور، ۱۴۳۹ هـ.ق / ۲۰۱۸ م.
۲۴. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی. *طبقات الحفاظ*. بیروت: دارالکتب العلمية، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۲۵. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی. *تبييض الصحيفة في مناقب الإمام أبي حنیفة*. حلب: دارالوعی مکتبة ابن عبدالبر، ۱۴۳۱ هـ.ق.
۲۶. الشایع، محمد بن عبدالعزيز بن محمد الشایع. *الآثار الواردة عن السلف في الامام ابی حنیفة دراسة عقديّة نقدية*. مجلة العلوم الشرعية واللغة العربية. سعودی: جامعة الامیرسّطام بن عبدالعزيز، ۱۴۳۵ هـ.ق.
۲۷. عثمانی، ظفر احمد عثمانی التهانوی. *قواعد في علوم الحديث*. ریاض: شركة العیكان لطباعة والنشر، ۱۴۰۴ هـ.ق.

۲۸. العجلی، ابی الحسن أحمد بن عبد الله بن صالح العجلی. *معرفة الثقات للعجلی*. مدينة منورة: مكتبة دارالهجرة، ۱۴۲۲ هـ.ق.
۲۹. مزی، جمال الدین أبوالحجاج یوسف المزی. *تهذیب الكمال فی اسماء الرجال*. تحقیق. بشارعواد معروف. بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۰ هـ.ق.
۳۰. مکی، أبوالمؤید موفق بن احمد بن محمد المکی. *مناقب الامام الاعظم ابي حنیفة*. کراچی: ادارة القران، ۱۴۲۷ هـ.ق.
۳۱. نعمانی، محمد عبدالرشید نعمانی. *مکاتة الامام ابي حنیفة فی الحدیث*. بیروت: دار البشائر، ۱۴۱۶ هـ.ق.
۳۲. نيسابوری، أبوالحسين مسلم بن الحجاج النيسابوری، *الصحيح للمسلم*. ناشر. عيسى الحلبي. بیروت: داراحیاء التراث، ۱۴۳۱ هـ.ق.
۳۳. وادعی، ابو عبدالرحمن مقبل بن هادی بن مقبل الوادعی. *نشر الصحیفة فی ذکر الصحیح من اقوال ائمة الجرح والتعدیل فی ابي حنیفة*. قاهرة: دار الحرمین، ۱۴۲۲ هـ.ق.
۳۴. الیافعی، أبو محمد عقیف الدین عبد الله بن أسعد. *مرآة الجنان وعبرة اليقظان فی معرفة ما یعتبر من حوادث الزمان*. تحقیق: خلیل المنصور. بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ هـ.ق / ۱۹۹۷ م.
۳۵. الیمنی، محمد الیاس الیمنی. *مکاتة الإمام الأعظم فی الحدیث*. جدہ: مكتبة دارالخضراء، ۲۰۰۱ م.